

رابطه موسیقی با فقه و سیاست‌گذاری

پیروزی انقلاب اسلامی، فصل جدیدی از فعالیت‌های موسیقی در ایران را رقم زد. دو عامل مهم این تغییر را می‌توان اولاً تلاش برای حاکمیت فقه شیعه و شریعت اسلامی بر ضوابط فعالیت‌های هنری و ثانیاً تغییر محسوس در آرایش میدان تولیدات موسیقی دانست.

به گزارش سایت خبری پرسون، هنر موسیقی، یکی از هنرهای تاثیرگذار است که در جریان انقلاب اسلامی با مبارزات مردمی همراه شد و انواع سرودهای انقلابی همزمان با حرکت‌های مبارزاتی مردم ایران تولید، پخش و بین توده‌های مردم رواج یافت. با این حال، پیروزی انقلاب اسلامی، فصل جدیدی از فعالیت‌های موسیقی در ایران را رقم زد. دو عامل مهم این تغییر را می‌توان اولاً تلاش برای حاکمیت فقه شیعه و شریعت اسلامی بر ضوابط فعالیت‌های هنری و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در کشور و ثانیاً تغییر محسوس در آرایش میدان تولیدات موسیقی به واسطه مهاجرت بسیاری از هنرمندانی دانست که پیش از انقلاب، بخش بزرگی از بازار موسیقی را در اختیار داشتند. هر دو عامل، مستقیماً تحت تأثیر پیروزی انقلاب و تحول بنیادین در مناسبات حاکم بر تولید محصولات فرهنگی و هنری قرار داشت. با این حال، با استقرار نظام جمهوری اسلامی، حرکت‌های نوینی هم در عرصه موسیقی شروع شد که در آن، ارتباط عمیقی بین موسیقی، فقه و سیاست‌گذاری وجود داشت. در ارتباط با این موضوع، اخیراً سومین نشست گفت‌وگوی تخصصی موسیقی، فقه و سیاست‌گذاری، با موضوع تجربه‌پژوهی مدیریت فرهنگ و هنر با حضور مهدی کلهر، مشاور رسانه‌ای محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت و مشاور سابق سازمان صداوسیما به میزبانی حجت‌الاسلام محمدعلی حیدری در سالن اوستا حوزه هنری برگزار شد.

مدیران در اوایل انقلاب چگونه موسیقی را مدیریت می‌کردند؟

شروع این برنامه به صحبت‌های حجت‌الاسلام محمدعلی حیدری، دبیر نشست، اختصاص داشت که در مقدمه بحث، هدف از برگزاری این نشست را بازگویی و موشکافی خاطرات، نکات و تجارب مدیریتی کلهر در طی این سال‌ها عنوان کرد و گفت: «ابتدا موضوع حمایت روحی و اجتماعی مدیر از موسیقی‌دانان و دیگر هنرمندان بررسی می‌شود.» وی در ادامه صحبت‌های خود یادآوری کرد: «مدیر باید خود را حامی هنرمند بداند و این حمایت را صورت دهد و یا عرض ارادت و تشکر کند و قدردان زحمات آنان باشد.» حجت‌الاسلام حیدری در ادامه خطاب به میهمان این نشست پرسش خود را این گونه مطرح کرد: «مدیران فهیم در اوایل انقلاب چگونه اهالی و جریان موسیقی را با توجه به بازخورد مردمی مدیریت می‌کردند؟ با ذکر خاطرات خود مربوط به مرحوم استاد محمدرضا لطفی، موسیقی‌دان و آهنگ‌ساز، لطفاً پاسخ دهید.» سخنران برنامه، مهدی کلهر، در ابتدای صحبت‌های خود گفت: «نکته‌ای که در خصوص مدیریت هنر ذکر کردید، بسیار حائز اهمیت است. در هفته گذشته در چهل و سومین نشست سالانه رؤسای مراکز استانی حوزه هنری شرکت کردم که موضوع آن نشست، مدیریت هنری بود. در طی دو جلسه این موضوع را به طور مفصل بررسی کردیم. توصیه می‌کنم صوت آن جلسه را تهیه و از آن استفاده کنید.» وی مدیریت هنری را یکی از سخت‌ترین انواع مدیریت در جهان دانست و یادآوری کرد: «هیچ مدیریتی به سختی آن نیست، زیرا موضوع هنر و هنرمند موضوع بسیار پیچیده و غیر متعارفی است. هنرمند ویژه است و روانشناسی دشواری دارد. قطعاً زمان این جلسات نمی‌تواند جهت پرداختن کامل و جامع به این موضوع کافی باشد. مدیریت هنری نیاز به نشست‌های سالیانه دارد که حوزه هنری آن را برگزار می‌کند و بهتر است که آن را ادامه دهد، زیرا مشکلات این عرصه در زمان‌های مختلف، متفاوت جلوه می‌کند.»

با توصیه شهیدان بهشتی، رجایی، باهنر و آقای غفوری وارد این عرصه شدم

این کارشناس و مشاور رسانه‌ای و هنری، زمان ورود خود به وزارت آموزش و پرورش به عنوان مشاور هنری را سال ۱۳۵۸ عنوان کرد و افزود: با توصیه شهیدان بهشتی، رجایی، باهنر و آقای غفوری وارد این عرصه شدم. به این دلیل که سرود دارای جنبه‌های کاملاً سیاسی، اجتماعی، پرورشی و فرهنگی بود، آن را در اولویت امور کارم قرار دادم. البته قبل از انقلاب نیز در این عرصه فعالیت داشتم. در ابتدای ورودم به آموزش و پرورش قصد برگزاری کلاس‌های سرود برای دانش‌آموزان، از پایه اول ابتدایی به بالا را داشتم تا محصولات فاخر و ملی به ثمر برسد. در آن زمان رئیس دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران آقای لطفی بود و من او را می‌شناختم. به این جهت که بنده موسیقی‌دان و آهنگساز نبودم، برای برپایی کلاس سرود و فعالیت جدی در این عرصه او را دعوت کردم. او بسیار آدم متشخص و وزینی بود. قبل از انقلاب چند اثر از او در جشن هنر شیراز با خوانندگی خانم پریسا و مرحوم شجریان اجرا شده بود. مرحوم لطفی به دیدار من آمد و با او صحبت کردم و به او گفتم موزیسین نیستی و سواد آن را ندارم، اما می‌خواهم سرودها و دیگر موسیقی‌ها به جای ارمنی خوانی، فواصل و بوی ایرانی بودن بدهد و قائلم باید از حالت بزمی که از دوران قاجار به ارث رسیده خارج شود. او هم صحبت‌های من را تایید و قبول کرد. در جلسه دوم متوجه شدم از منظر سیاسی عضو حزب توده است. من به او ساده و صریح گفتم توده‌ای نیستی و عضو شورای شش نفره فدائیان اسلام هستی؛ آیا می‌توانیم مبتنی بر مشترکات‌مان همکاری بکنیم؟ او جواب مثبت داد، سخنان من را تایید و قبول کرد و گفت که قبل از انقلاب هم جهت حس گرفتن برای ساخت آهنگ، در تظاهرات خیابانی شرکت کرده است.»

همکاری با لطفی در عرصه موسیقی

در ادامه مهدی کلهر، مشاور هنری وقت وزارت آموزش و پرورش، در خصوص ارتباط و همکاری با لطفی به صحبت‌های خود ادامه داد. او لطفی را بر خلاف دیگر هنرمندان دارای روحیه شکننده همچون مرحوم شجریان نمی‌دانست و افزود: او دارای روحیه قوی بود و خود را برای مواجهه با هر اتفاقی آماده کرده بود. علم لطفی از حس او در کارش، نسبت به سایر هنرمندان بالاتر بود. متأسفانه اکثر هنرمندان ما غیر از هنر خود چیزی نمی‌دانستند و تاریخ کشور و احزاب را هم نمی‌شناختند. خیلی ساده می‌شد هنرمندان مشهور ما را فریب داد و از آنان سوء استفاده کرد، که آمریکا این را فهمیده بود،

اما لطفی این طور نبود. او حتی پس از رفتن به آمریکا و سپس بازگشتن از آنجا تنها به سراغ من آمد و من را تنها کسی عنوان کرد که دوستش دارد و علت این دوست داشتن را صداقت و دروغ نگفتن من به خودش بیان کرد.

خیلی از مدیران، ارزش هنرمندان را بر عکس دشمنان نمی‌داند

وی در رابطه با حمایت از هنرمندان افزود: «حق خواهی مدیر برای هنرمند، هزینه دارد، اما پاداش و جایزه نیز دارد که آن را خداوند می‌دهد. جزاکم الله خیرا. من قوی که نمی‌توانستم به آن عمل کنم را نمی‌دادم و با صداقت این مسئله را با هنرمند در میان می‌گذاشتم. بسیاری از مدیران نگاه بالا به پایین دارند. زمانی که کارشان با هنرمند تمام شود، رابطه، احترام و ارزش قائل شدن برای هنرمند را هم تمام می‌کنند. این نوع مدیریت منتظر است تنها دیگران ریسک و خطر کنند و خود در حاشیه امن باقی می‌مانند. این زرنگی نیست، بلکه بردن آبرو نظام است.» این مشاور رسانه‌ای و هنری با شرح سنت تألیف قلوب در دین اسلام و بیان رویداد تاریخی فتح مکه با عنوان «یوم المرحمه» به ریشه دینی داشتن حمایت لازم از هنرمندان استناد کرد و افزود: «خیلی از مدیران، ارزش هنرمندان را بر عکس دشمنان نمی‌داند و دشمنان جهت ضربه زدن از آن‌ها سوء استفاده می‌کند. انسان و مدیر متکبر و مستکبر نمی‌تواند چیزی یاد بگیرد و ارزش‌ها را بشناسد. مدیر باید تواضع داشته باشد و مدیریت را بار و وزر بداند.»